

رصد

ماهانمه آتلانتیک در تحلیلی نسبت به فعالیت‌های ترامپ در شبکه‌های مجازی، او را در این عرصه شکست‌خورده می‌داند

جنگ را نمی‌توان با توییت اداره کرد

زارع | همزمان با تشدید حملات غیرقانونی آمریکا به کشورمان، نشریه آتلانتیک در تحلیلی مفصل به ناکامی دولت ترامپ در روایت‌سازی از جنگ پرداخته است. چارلی وارزل، تحلیلگر این ماهنامه در یادداشتش با توجه به فعالیت مستمر ترامپ در شبکه اجتماعی خودش نوشته است آنچه در خاورمیانه در حال رقم خوردن است، اثر خود را آنچنان در جامعه آمریکایی گذاشته که حتی رئیس‌جمهور آمریکا هم نمی‌تواند اوضاع را اداره کند.

■ شکست ماشین روایت‌سازی

به عقیده وارزل، ترامپ در سال‌های اخیر با تکیه بر شبکه اجتماعی تروث سوشال و سبک خاص خود، توانسته بود برای هر بحرانی یک واقعیت موازی بسازد و با تغییر زاویه دید افکار عمومی، از پیچیده‌ترین موقعیت‌ها نیز به نفع خود خارج شود؛ اما مقاله معتقد است جنگی تمام‌عیار با ایران، همان بحرانی است که این ماشین همیشه پیروز را برای همیشه از کار انداخته است. ترامپ که قبلاً با یک توییت می‌توانست دستور کار شبکه‌های خبری را تغییر دهد، حالا در برابر واقعیت‌های سخت میدانی کاملاً درمانده شده و این یعنی قدرتمندترین ابزار ارتباطی او نیز در برابر واقعیت یک جنگ نظامی، کارایی خود را از دست داده است.

■ جنگ را نمی‌شود با پست مدیریت کرد

نکته کلیدی که نویسنده بارها بر آن تأکید می‌کند، این جمله معروف است که «شما نمی‌توانید با چند پست از یک جنگ خارج شوید»، ترامپ تلاش کرده با تهدیدهای هسته‌ای، اعلام پیروزی‌های خیالی و برجسته‌سازی حاشیه‌های سیاسی، ذهن مردم را از تلفات سنگین و هزینه‌های هنگفت نظامی منحرف کند؛ اما هر باز نتیجه معکوس گرفته است. جنگ یک پدیده فیزیکی با پیامدهای عینی و انسانی است و نمی‌توان آن را با ترندهای زبانی، هشتگ‌سازی یا تغییر مداوم روایت، حل و فصل کرد. برای نمونه، وقتی ترامپ در یکی از پست‌های خود نوشت «تمامی تمدن ایران امشب نابود خواهد شد»، نه تنها رسانه‌های معتبر این ادعا را به سخره گرفتند؛ بلکه حتی نزدیک‌ترین مشاورانش نیز این رویکرد را نمایشی و بی‌اثر ارزیابی کردند.

■ خستگی اطلاعاتی و فرسایش اعتماد

نویسنده در یکی از مهم‌ترین بخش‌های یادداشت خود، به پدیده خستگی اطلاعاتی در میان کاربران فضای مجازی اشاره دارد. او معتقد است پس از یک دهه مواجهه با دروغ‌های بزرگ و کوچک و تناقض‌های پی‌درپی از سوی ترامپ، مردم به نوعی واکسینه شده‌اند و دیگر هیچ توییت تند و تیزی برایشان غافلگیرکننده یا قانع‌کننده نیست. این خستگی جمعی موجب شده اظهارات افراطی رئیس‌جمهور نه تنها باورپذیر نباشد؛ بلکه حتی به شوخی‌های تلخ در شبکه‌های اجتماعی تبدیل شود. در این شرایط، تصاویر و ویدئوهای واقعی از میدان نبرد که توسط شهروندان عادی، روزنامه‌نگاران مستقل و حتی گاهی نظامیان منتشر می‌شود، تأثیر بسیار بیشتری بر جریان افکار عمومی دارد تا اظهار نظرهای شعاری ترامپ. مردم دیگر به دنبال روایت‌های از پیش ساخته نیستند و ترجیح می‌دهند خودشان قضاوت کنند. این تغییر بنیادین در عادت‌های مصرف خبری، یکی از اصلی‌ترین عواملی است که ماشین تبلیغاتی ترامپ را برای همیشه زمینگیر کرده است.

■ روایت‌پردازی متقابل ایران در جنگ سایبری

در کنار ناکارآمدی ترامپ، نویسنده به نقش فعال ایران در جنگ روایت‌ها نیز پرداخته و آن را یکی از عوامل تضعیف‌کننده جایگاه رئیس‌جمهور آمریکا نام معرفی کرده است. تیم‌های سایبری و رسانه‌ای ایران نه تنها حملات اطلاعاتی انجام می‌دهند؛ بلکه با استفاده از طنز و کنایه، پست‌های ترامپ را به چالش می‌کشند و آن‌ها را دست می‌اندازند. این سبک از ترولینگ هوشمندانه، برای نخستین بار سبب شده ترامپ در بازی رسانه‌ای عقب بيفتد و نتواند مانند گذشته فضای مجازی را به نفع خود مصادره کند. این رویکرد خلافتانه، نه تنها روایت رسمی آمریکا را به چالش کشیده؛ بلکه نشان داده در عصر دیجیتال، هیچ پیامی بدون پاسخ نمی‌ماند و هر تهدیدی می‌تواند با یک ضروایت هوشمندانه خنثی شود.

■ هزینه‌های سیاسی داخلی و بین‌المللی

به عقیده آتلانتیک، هزینه‌های سیاسی این ناتوانی در داخل آمریکا کاملاً مشهود است. حتی چهره‌های ارشد حزب جمهوری خواه به تدریج از ترامپ فاصله گرفته‌اند و برخی از آن‌ها به صراحت اعلام کرده‌اند راهبرد او در قبال ایران نه تنها شکست خورده؛ بلکه امنیت ملی را نیز به مخاطره انداخته است. این شکاف در درون حزب حاکم، نشان‌دهنده آن است که ترامپ حتی در میان متحدان سنتی خود نیز پشتوانه سابق را ندارد و نمی‌تواند مانند گذشته بر وفاداری کورکورانه تکیه کند. در افکار عمومی نیز نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهد بیش از ۶۰ درصد آمریکایی‌ها معتقدند ترامپ وضعیت را بدتر کرده و هیچ برنامه روشنی برای پایان دادن به جنگ ندارد. این ترکیب از فشارهای داخلی و خارجی، کاخ سفید را در تنگنای بی‌سابقه‌ای قرار داده است.

■ پایان یک توهم

در نهایت، نویسنده مقاله را با این جمع‌بندی به پایان می‌برد که جنگ ایران، نقطه پایان افسانه شکست‌ناپذیری رسانه‌ای ترامپ به شمار می‌رود و این شکست فقط به یک جنگ خاص محدود نمی‌شود؛ بلکه می‌توان آن را هشداری برای تمام کسانی دانست که گمان می‌کنند شبکه‌های اجتماعی می‌توانند جایگزین واقعیت‌های عینی شوند. وقتی گلوله‌های شلیک می‌شوند و مردم جان می‌دهند، هیچ هشتگ و توییتی نمی‌تواند تصویر را تغییر دهد. ترامپ که سال‌ها از این توهم تغذیه می‌کرد، حالا با تلخ‌ترین درس زندگی اش مواجه شده است: واقعیت همیشه حرف آخر را می‌زند، مهم نیست که چقدر در فضای مجازی قدرتمند باشید.

همزمان با تشدید جنایات شهرک‌نشینان، نشانه‌های شکل‌گیری موج تازه مقاومت در کرانه باختری آشکار شده است

کرانه در آستانه انتفاضه



برخورد با شهرهای کرانه باختری «همانند بیت حانون در غزه» شده‌اند.

با این حال، یائیر گولان، رهبر حزب دموکرات این رژیم پرده از نیت اصلی این رفتارها برداشته و دولت نتانیاو را متهم می‌کند که برای فرار از بحران‌های عمیق سیاسی داخلی و حفظ ائتلاف شکننده‌اش، کرانه باختری را عամدانه به یک بمب ساعتی تبدیل کرده است.

سیاستی که بر پایه فشار نظامی و باز گذاشتن دست شهرک‌نشینان برای جنایت بنا شده، هدفی جز شعله‌ور کردن یک جبهه جدید برای انحراف افکار عمومی در فضای در آستانه انتخابات این رژیم ندارد.

■ بیداری نسلی که تسلیم نمی‌شود

آنچه نتانیاوهو و متحدانش در محاسبات خود ندیده‌اند، روحیه تسلیم‌ناپذیر نسلی است که دیگر منتظر مجامع بین‌المللی که تنها به صدور بیانیه بسنده می‌کنند، نمی‌مانند. سد ترس فرور یخته و خون‌های ریخته شده در کوچه‌پسکوچه‌های کرانه باختری، نویدبخش شکل‌گیری مقاومتی است که هزینه جنایت و اشغالگری را برای صهیونیست‌ها به شدت بالا خواهد برد.

اکنون از یک واقعیت جدید و تلخ صحبت می‌کنند.

مایکل میلشتاین، مسئول سابق پرونده فلسطین در اطلاعات نظامی ارتش اشغالگر، صراحتاً اعتراف کرده دوران «معجزه» به پایان رسیده است؛ دورانی که در آن شهرک‌نشینان بدون دادن تلفات به روستاهای فلسطینی حمله می‌کردند.

در همین راستا، خبرنگار رادیو ارتش اسرائیل به نقل از افسران ارشد امنیتی فاش کرد سد ترس در میان فلسطینیان شکسته است. افسران صهیونیست اکنون با وحشت، خود را برای سناریویی مشابه انتفاضه اول آماده می‌کنند؛ شورشی گسترده که شامل مقابله مستقیم، مصادره سلاح‌ها و به آتش کشیدن منافع صهیونیست‌ها در سراسر کرانه باختری است.

■ آتش‌افروزی عامدانه تل‌آویو برای فرار از بحران‌های داخلی

در این میان، تشدید بی‌سابقه تنش‌ها تصادفی نیست. پس از تلفات اخیر صهیونیست‌ها، بنیامین نتانیاوهو از استقرار پنج گردان نظامی جدید و تسریع در قانونی‌سازی شهرک‌سازی‌ها خبر داد. ایتمار بن‌گویر و بزلال اسموتریچ، وزیران افراطی‌تر کابینه، با را فراتر گذاشته و خواهان اعمال مجازات‌های دسته‌جمعی و

می‌دانند. فعالان و جوانان فلسطینی در سرتاسر کرانه باختری فراخوان‌های گسترده‌ای برای تشکیل «کمیته‌های مردمی» صادر کرده‌اند. هدف این کمیته‌ها، محافظت از روستاها در برابر حملات تهاجمی شهرک‌نشینان و مقابله با تصرف زمین‌هاست. جوانان فلسطینی دریافته‌اند که ایستادن در قامت تماشاچی وحشی‌گری‌ها در ایست‌های بازرسی، تنها به اشغالگران جسارت بیشتری برای سوزاندن خانه‌ها و زمین‌هایشان می‌دهد.

این تغییر رویکرد و روی آوردن به دفاع مشروع، ماشین امنیتی رژیم صهیونیستی را به شدت نگران کرده است. مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین در گزارشی مستند نشان داد تنها در یک هفته (از ۱۷ تا ۲۴ جولای)، ۸۳ عملیات مقاومتی در کرانه باختری و قدس اشغالی به ثبت رسیده است؛ عملیات‌هایی که شامل تیراندازی و درگیری میدانی بود و با کشته شدن دو نظامی صهیونیست و زخمی شدن ۶ تن دیگر، ثابت‌کرد تجاوز به حریم فلسطینیان بدون هزینه نخواهد بود.

■ اعتراف فرماندهان عبری به شکست سد ترس

این ایستادگی، لرزه بر اندام دستگاه‌های اطلاعاتی و نظامی اشغالگران انداخته است. رسانه‌های عبری

شیخ‌نشین‌ها؛ ناتوان از پایان دادن به جنگ



خود، «قطع ضررها و واگذاری امور به کشورهای منطقه، نتیجه‌بدی نخواهد بود». این دوگانگی در عمل به‌معنای آن است که آمریکا نه راهبرد روشنی برای متحد کردن کشورهای عربی دارد و نه توانسته آن‌ها را در یک جبهه منسجم علیه ایران سازماندهی کند. به گفته داگلاس سیلیمن، سفیر پیشین آمریکا در عراق و کویت، اگر کشورهای عربی به اتحاد برسند، بیشتر برای جلوگیری از «تکه‌تکه شدن توسط ایران» خواهد بود؛ اما در عین حال «نامیدی از آمریکا در حال افزایش است و من کم‌کم فریادهای خشم‌نسبت به آمریکا را می‌شنوم».

سو، دولت ترامپ با حملات هوایی روزانه خود علیه ایران، فشار را بر کشورهای عربی افزایش و آن‌ها را در معرض حملات تلافی‌جویانه تهران قرار داده است. حملاتی که در دور جدید جنگ، تاکنون بحرین، کویت و اردن را درگیر کرده و کشتی‌های سعودی را در دریای سرخ هدف قرار داده است. از سوی دیگر، خود آمریکا نیز دچار تفرقه استراتژیک است. متیو کرونینگ، مشاور سابق پنتاگون توضیح می‌دهد «کاخ‌سفید به روابط با کشورهای عربی از جمله عربستان و امارات اهمیت می‌دهد؛ اما پنتاگون به شدت مخالف جنگ فرسایشی است و بر اساس منطق

محسن فاطمی نژاد | نسیم گرمی که این روزها از لابه‌لای شاخ و برگ‌های نیم‌سوخته درختان زیتون در کرانه باختری می‌وزد، بی‌ش از همیشه بوی خاکستر و باروت می‌دهد؛ درختان کهنسالی که آتش‌کینه شهرک‌نشینان و فرامین قطع درختان توسط ارتش اشغالگر، روز به روز چشم‌انداز سرسبز آن را نشانه می‌گیرد و نابود می‌کند. طبیعی است در چنین فضایی، در چشمان کودکان روستاهایی چون «تل» و «بیت فوریک»، دیگر نشانی از شیطنت‌های معصومانه نباشد و جای آن را خشمی فروخورده و بغضی تاریخی بگیرد. سرزمین‌های مادری که روزگاری پناهگاه امن خانواده‌ها بود، حالا زیر چکمه‌های شهرک‌نشینان و سایه سنگین تنفگ‌های نظامیان، به میدان نبردی نابرابر تبدیل شده است. با این حال، در میان این دود و آتش، کرانه باختری دیگر آن قربانی خاموش و سر به زیر گذشته نیست؛ همه چیز از آستانه تحمل عبور کرده، سد ترس شکسته است و صهیونیست‌ها هم معتقدند با یک آتشفشان در آستانه انفجار روبه‌رو هستند.

■ ابعاد تکان‌دهنده یک پاک‌سازی قومی خاموش

گزارش‌های نهادهای بین‌المللی در همین روزهای پایانی جولای ۲۰۲۶، پرده از ابعاد وحشتناک یک پاک‌سازی قومی خاموش برمی‌دارند. سازمان «نجات کودکان» در آماری تکان‌دهنده تأیید می‌کند تنها در نیمه نخست سال جاری میلادی، بیش از هزار کودک فلسطینی در کرانه باختری آواره شده‌اند؛ رقمی که معادل نیمی از کل کودکان آواره شده در سه سال گذشته است.

دیده‌بان حقوق بشر نیز با صدور هشداری صریح اعلام کرده ادامه مصونیت و حمایت رسمی رژیم صهیونیستی از شهرک‌نشینان، وضعیت را به سمت جنایات جمعی سوق داده است. بر اساس مستندات سازمان ملل، تا اواخر جولای، ۶۸ فلسطینی به شهادت رسیده و بیش از ۵۶۹ نفر زخمی شده‌اند. در یکی از وحشیانه‌ترین صحنه‌ها، گروهی ۵۰ نفره از شهرک‌نشینان مسلح تحت حمایت ارتش به شهر «تل» یورش بردند و چهار جوان فلسطینی را به شهادت رساندند.

این آمارها در حالی است که از زمان آغاز جنگ و نسل‌کشی علیه غزه، کرانه باختری شاهد تشدید حملات، دستگیری‌ها و حملات شهرک‌نشینان صهیونیست بوده که منجر به شهادت هزار و ۱۸۲ فلسطینی و زخمی شدن ۱۴هزار نفر شده در حالی که حدود ۲۴هزار فلسطینی نیز دستگیر شده‌اند.

■ تغییر رویکرد مردمی و تشکیل کمیته‌های دفاع

در برابر این حجم از وحشی‌گری، مردم فلسطین ایستادن و تماشا کردن را خیانت به بقای خود

فراخبر

نیک‌پندار | کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس

که در خط مقدم حملات دفاعی ایران قرار گرفته‌اند، عملاً در موضعی متغفل و متفرق گرفتار شده‌اند. به گزارش پولتیکو، شورای همکاری خلیج‌فارس که شامل بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی است، در سایه جنگ ایران با آمریکا و رژیم صهیونیستی نه تنها به اتحاد نرسیده؛ بلکه اختلافات پیشین خود را بیش از پیش به رخ کشیده است. یک دیپلمات عرب خارج از شورا به صراحت گفته «شورای همکاری خلیج‌فارس غیرفعال است» و خروج امارات از اوپک در آوریل که تا حدی به اختلافات بر سر جنگ ایران مربوط می‌شد، خشم عربستان را برانگیخت و نشان داد «خلیج هرگز مانند قبل نخواهد بود». این انفعال ریشه در منافع متضاد دارد؛ برخی کشورها مانند امارات رویکردی تهاجمی‌تر در پیش گرفته‌اند، در حالی که عمان و قطر بیشتر به میانجی‌گری و مدارا با ایران تمایل دارند و عربستان در میانه این طیف قرار گرفته است. همچنین کشورهایی مانند قطر، کویت و بحرین که برای صادرات نفت و گاز خود به تنگه هرمز وابسته‌اند، اولویتی متفاوت از عربستان، امارات و عمان دارند که می‌توانند تنگه را دور بزنند. این شکاف سبب شده حتی در نشست‌های مشترک با کنگرو وزارت خارجه آمریکا، کشورهای عربی «بر سربک صفحه نباشند».

نقش آمریکا در این انفعال، دوگانه و متناقض است. از یک

دریچه

گروه جهان | در سال‌های اخیر، کشورهای آسیای مرکزی همچون قزاقستان،

ازبکستان و ترکمنستان تلاش زیادی برای تنوع‌بخشیدن به شرکای خودکاهش وابستگی به قدرت‌های سنتی انجام داده‌اند. آمو، رسانه تخصصی بررسی اخبار آسیای مرکزی در کتال تلگرامی خود نوشت: اکنون یک چرخش استراتژیک در حوزه انرژی مشاهده می‌شود؛ بازگشت به سمت روسیه برای دستیابی به رؤیای «انرژی هسته‌ای»؛ اما چرا در اوج تنش‌های ژئوپلیتیک، این کشورها دوباره به سمت مسکو چشم‌دوخته‌اند؟

دسترسی به انرژی هسته‌ای، فائز از یک انتخاب ساده است؛ کشورهای آسیای مرکزی با نیاز مبرم به برق پایدار برای صنایع سنگین و مقابله با بحران‌های آب و تغییرات اقلیمی، به دنبال منابعی هستند که برخلاف انرژی‌های تجدیدپذیر (خورشیدی و بادی)، پایدار و در مقیاس بزرگ باشند. در این میان، روسیه با